

آنچه در این مقاله از دید خواننده گرامی می‌گذرد مروری است گذرا بر زندگانی شیخ اسعد شفروه اصفهانی، مؤلف کتاب ارزشمند «مطلع الصباحتین» و مجمع الفصاحتین، همراه با معرفی کتاب وی از دید تاریخی، مطالب مندرجه آن، سبک تألیف، نسخه‌های کتاب و اهمیت آن، و دیگر مطالبی که به گمان نگارنده، ذکر آنها در معرفی یک اثر و صاحب آن، مناسب یا ضروری بنظر می‌رسد.

شرح حال مؤلف:

وی شیخ ابوالسعادات اسعد بن عبدالقاهر بن اسعد بن محمد بن هبه بن حمزه اصفهانی ملقب به «شَفْرَوَه» یا «شَفْرَوِيَه» می‌باشد.^(۱)

شیخ اسعد در اصفهان متولد شد و همانجا نشو و نما نمود و تا زمان هجوم مغول به اصفهان در آنجا سکونت داشت.^(۲) وی از علمای بنام عصر خویش بوده است، چنانچه صاحب امل الامل^(۳) از وی تعبیر به «عالم، فاضل، محقق» نموده است.

مرحوم عاملی نیز در اعیان الشیعه از او چنین یاد می‌کند:

«عالم، فاضل، جلیل، محقق»^(۴).

صاحب ترجمه، از مشایخ سه تن از بزرگان و نامداران شیعه یعنی خواجه نصیرالدین طوسی و میثم بن علی بحرانی شارح نهج البلاغه و رضی الدین علی بن موسی بن طاووس است^(۵) (چنانچه از کتاب الیقین سید ابن طاووس استفاده می‌گردد^(۶)). ابن طاووس همانطور که در ابتدای فلاح السائل تصریح نموده تمامی کتب و اصول و تألیفات را در سال ۶۳۵ از وی روایت نموده است.^(۷) مرحوم کفعمی نیز در حواشی الجنه الواقیه از وی حدیث نقل کرده و او را به «شیخ

*
 حضرت
 حضرت
 نهجی بر طبع الصب
 حضرت

سید صادق حسینی اشکوری

عالم» توصیف نموده است. بزرگ مرد حدیث شیعه، علامه مجلسی، نیز در مجلد اجازات بحار از او بعنوان «اصحابنا» یاد نموده است.

شیخ اسعد اصفهانی از تعدادی از اکابر و بزرگان شیعه روایت نقل می کند که از بین آنها فقط بدین شیوخ دست یافتیم:

۱. شیخ ابو عبدا محمد بن عبدالله الواحد مدینی اصفهانی، شیخ اسعد در مدرسه علائیه زیدیه به تاریخ ۱۲ ذی القعدة سال ۶۲۸ حدیثی را شنیده و در مقدمه کتابش مطلع الصباحتین آن را نقل نموده است.

۲. شیخ مقری جمال الدین ابوطالب هبه بن ابی الفتح کازرونی شیرازی، وی در شعبان سال ۶۳۳ هنگام حضورش در شیراز نزد وی قرائت حدیث داشته است چنانچه در مقدمه مطلع بدان تصریح نموده است.

۳. عمادالدین ابوالفرج علی بن سعید بن هبه قطب راوندی^(۸). شیخ اسعد حدود سال ۶۳۵ قمری از اصفهان به عراق هجرت کرد. وی قبل از آن در سال ۶۳۳ سفری نیز به شیراز داشته است. پس از مهاجرت به عراق در بغداد با علما و فضلا از جمله ابن طاووس تماس داشت و برای آنان حدیث نقل می نمود و به تدریس پرداخت. بنابراین هجرت شیخ به نجف که در مقدمه کتاب بدان تصریح نموده در اوائل سال ۶۳۵ یا اواخر ۶۳۴ صورت گرفته و سپس به تألیف کتاب مطلع الصباحتین همت گمارده است.

مؤلف هنگام حمله و حشیانۀ مغول در دستگاه حاکمی در اصفهان که به نام وی تصریح نکرده ملزم به کار بوده و در قلعه وی زندگی می کرده است. زمان هجوم مغول، حاکم به وی دستور می دهد که نزد سران مغول رفته پیام انقیاد و تبعیت او را از مغولان بدانها ابلاغ نماید^(۹)، وی از قبول آن سرباز زده و به همین علت، اموالش

مصادره گشته و از کار برکنار و حبس می گردد تا وی با توسل به امیر مؤمنان علیه السلام بالاخره از زندان خلاصی یافته و فوراً راهی نجف اشرف می گردد^(۱۰).

از طرفی دیگر، هنگام هجوم مغول، دو فرقه حنفیان و شافعیان در اصفهان صاحب قدرت و با هم در نزاع بوده اند، و شافعیان به مغولان پیشنهاد کردند که چنانچه با ورود به اصفهان دست به کشتار حنفیان بزنند، آنان دروازه های شهر را به روی ایشان می گشایند.

اما مغولان با ورود به شهر، حنفیان و شافعیان را یکسان به دم تیغ سپردند. بنابراین آقای صدرایی احتمال داده که شیخ اسعد در دستگاه خجندیان اصفهان بوده و با تصمیم آنان مبنی بر تسلیم شهر به مغولان، مخالفت نموده است.

تألیفات:

آثار معرفی شده در منابع مختلف شرح حال وی، عبارتند از:

۱. جوامع الدلائل فی مجامع الفضائل. آنگونه که در مقدمه مطلع مذکور است. یا جامع الدلائل و مجمع الفضائل، و یا جامع الدلائل و منبع الفضائل. آنطور که در ذریعه مسطور می باشد^(۱۱)، و یا منبع الدلائل و مجمع الفضائل بنحوی که در نسخه ای از امل الامل و اعیان الشیعه ذکره شده است^(۱۲).

۲. توجیه السؤالات فی تقریر الأشکالات^(۱۳).
۳. شرح الولا^(۱۴) فی شرح الدعاء^(۱۵)، مراد، دعای صنمی فریش می باشد.

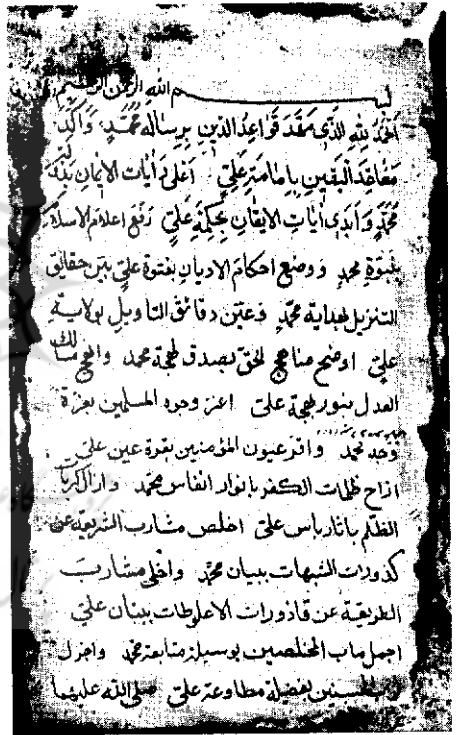
۴. فضیلت الحسین و فضله و شکایته و مصیبت و قتل^(۱۶).

۵. الفائق علی الأربعین فی فضائل امیر المؤمنین^(۱۷).

۶. دیوان شعر^(۱۸).

۷. اکسیر السعادتین، در اعیان الشیعه^(۱۹) هنگام

شمارش تألیفات وی می گوید: در کتاب اکسیر السعادتین بسیاری از کلمات قصار امیر مؤمنان علیه السلام گردآوری شده است، آنگونه که از ریاض العلماء منقول است. سپس ضمن تألیفات وی به مجمع البحرین و مطلع السعادتین نیز اشاره می کند. بنابراین در نظر وی این دو کتاب، مجزا هستند، ولی آنچه را وی به ریاض نسبت داده است در ریاض العلماء که بچاپ رسیده^(۳۳) نیافتیم، و در نسخه چاپی، عبارت چنین است: مطلع الصباحتین و مجمع المفصاحتین. و ذکر وی از



اکسیر السعادتین بمیان نیامده است. البته در دائره المعارف تشیع نیز آن را عنوانی مستقل ذکر نموده است^(۳۴). ولی احتمال می رود این کتاب با کتاب بعدی یکی باشد چنانچه شیخ آقا بزرگ تهرانی نیز این احتمال را ذکر نموده است. وی در الأنوار الساطعه^(۳۵) می گوید: صاحب ترجمه دارای دو کتاب «مجمع البحرین

و مطلع السعادتین» و «اکسیر السعادتین» می باشد، و شاید این دو کتاب یکی باشند.

۸. مطلع الصباحتین و مجمع الفصاحتین. این همان کتاب مورد معرفی مامی باشد که مؤلف در اواخر عمر آن را به رشته تحریر درآورده است. شیخ اسعد در مقدمه کتاب خود چنین تصریح نموده است:

لما فرغت من جمع هذا الكتاب البدیع و وفتت لجمع کتب .. سپس نام پنج کتاب اول را که برشمرده آورده و در آخر می گوید: و غیرها.

لذا با توجه به عبارت «و غیرها» مؤلف، کتابهای دیگری نیز تألیف نموده است که قادر مسلم از آن آثار، می توان به دیوان شعری اشاره کرد^(۳۶). ذکر این نکته نیز جالب است که: بیشتر تألیفات شیخ شفوه اصفهانی درباره فضائل و مناقب اهل بیت علیهم السلام و اثبات حقانیت آنان و ردّ بر دشمنان آنهاست، لذا بسی جای تأسف است که اکنون پس از طی سده های متمادی فقط از این آثار کتاب «مطلع الصباحتین» بدست ما رسیده است. و از طرفی جای خرسندی است که با معرفی و چاپ این اثر، علاوه بر گشایش راهی تحقیقی جهت شناخت مؤلف آن، اثری از آثار حدیثی شیعه و تألیفی از تألیفات قدمای اصحاب به دنیای دین و دانش و ادب عرضه می گردد.

وفات شیخ اسعد:

بیشتر کسانی که شرح حال وی و یا تألیفات وی را برشمرده اند به تاریخ وفات وی تصریح نکرده اند، و در بین تصریح کنندگان نیز اختلاف مشهود است:

صاحب اعیان الشیعه^(۳۷) وفات وی را در صفر سال ۶۳۵ ثبت نموده است.

کحاله نیز در معجم المؤلفین^(۳۸) از وی تبعیت نموده است. در دائره المعارف تشیع^(۳۹) وی را

متوفای پس از سال ۶۳۵ می‌داند که صحیحتر می‌باشد، چرا که ماه صفر ۶۳۵ تاریخ برخی از روایات مؤلف است آنگونه که در مقدمه مطلع نیز بدان اشاره کرده، نه سال وفات وی.

آقای صدرایی^(۳۷) بنقل از مورخین تاریخ وفات وی را سال ۶۴۰ ثبت کرده که اگر مستند آن که ذکر نشده، قابل اعتماد باشد، تاریخ مورد قبولی بنظر می‌رسد.

فرزندان شیخ اسعد:

ابن فوطی در مجمع الاداب^(۳۸) از فرزندى بنام معزالدين على بن اسعد اصفهانی نام برده است

انگیزه تألیف کتاب «مطلع الصباحین»

مؤلف در مقدمه کتابش احادیثی پیرامون شدت ارتباط روحی و خَلقی پیامبر (ص) و امیر مؤمنان (ع) ذکر نموده و چنین نتیجه می‌گیرد که:

این ارتباط به حدی است که تشابه بین کلمات آنها را نیز، لفظاً یا معنی‌یاً هر دو، سبب شده است. آنگاه برای اثبات این مدعا کتاب حاضر را تقدیم نموده که در واقع کلمات مشابه نبی و وصی می‌باشد^(۳۹). مؤلف ضمناً با انتخاب دو کتاب «شهاب الاخبار» که مشتمل بر احادیث نبوی و مورد اعتماد عامه است، و «نهج البلاغه» که مشتمل بر احادیث و کلمات علوی و مورد استناد شیعه است، و تطبیق بین این کلمات، به اثبات ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام نیز پرداخته است چرا که سرچشمه تمامی سخنان وی، همان کلمات نبوی است که متصل به عالم وحی است. و این تازه نمونه‌ای است از خروار، و بنا بر تصریح مؤلف فقط تطبیق بین دو کتاب است، و آلا نه کلمات نبی اکرم (ص) منحصر در شهاب الاخبار است و نه سخنان امیر مؤمنان (ع) در نهج البلاغه، لذا مؤلف قصد داشته در آینده از دیگر کتب

صحاح اهل سنت نیز بر فرمایشات پیامبر اکرم (ص) بیافزاید که مشکلات روزگاری را از این تألیف بازداشته است^(۴۰).

اهمیت کتاب «مطلع الصباحین»:

درباره اهمیت کتاب حاضر به برخی از نکات بطور خلاصه اشاره می‌شود:

۱. قدمت تألیف آن: تألیف این کتاب که در نیمه اول قرن هفتم (سال ۶۳۵) بوده، سبب می‌شود که بتوان آن را بعنوان یکی از مصادر کهن حدیث شیعه که در آن روایات نبوی را نیز از مصادر عامه در بر دارد برشمرد.

۲. سرشناس بودن مؤلف آن: مؤلف، همانگونه که قبلاً اشاره شد، از مشایخ سه تن از بزرگان و نامداران شیعه یعنی خواجه نصیرالدین طوسی و ابن میثم بحرانی و ابن طاووس بوده که هر یک از آنان دارای آثار تألیفی مهمی بوده‌اند، همچنین شاگرد برخی از دانشمندان بوده که از آنها به سه تن از جمله قطب رواندی اشاره نمودیم.

۳. انتخاب از دو کتاب مهم: آنچه بر اهمیت این تألیف می‌افزاید این است که مؤلف در انتخاب احادیث از مهمترین کتب مورد استناد شیعه و سنی بهره برده است.

درباره نهج البلاغه آنقدر سخن بمیان آمده است که توضیحات نگارنده زیاده می‌نماید، اما چون خواننده گرامی ممکن است درباره مؤلف شهاب الاخبار اطلاعات کمتری داشته باشد به معرفی مختصری درباره مؤلف آن واهمیتش می‌پردازیم:

شهاب الاخبار تألیف قاضی قضاعی ابو عبدالله محمد بن سلامه بن جعفر بن علی فقیه شافعی یا شیعی^(۴۱) می‌باشد. وی در سال ۴۵۴ هجری دار دنیا را بدرود گفت. در این کتاب قضاعی به گردآوری کلمات قصار نبی گرامی اسلام (ص) پرداخته

است. شروح و ترجمه های فراوان از این کتاب حاکی از اهمیت آن می باشد^(۳۳).

اختلاف در نام کتاب :

نام کتاب در منابع، گوناگون ذکر شده است؛ صاحب اعیان الشیعه^(۳۴) آنرا مجمع البحرین و مطلع السعادتین نامیده است. کحاله در معجم المؤلفین^(۳۵) هنگام شمارش کتب وی چنین می گوید:

اکسیر السعادتین، و مجمع البحرین و مطلع السعادتین. که ظاهراً دو کتاب هستند. مرحوم شیخ آقابزرگ تهرانی نیز آنرا گاهی «مجمع البحرین و مطلع السعادتین»^(۳۶) و گاه «اکسیر السعادتین»^(۳۷) نامیده و در الأنوار الساطعه^(۳۸) احتمال داده که هر دوی آنها یک کتاب باشند. لکن در مقدمه نسخه ما چنین آمده: «وَأَنی وَأَن لَم اکن احسنی من اهلہ ما کنت اسبق بمثلہ سمیتہ کتاب: مطلع الصباحین و مجمع الفصاحتین.. صاحب ریاض^(۳۹) نیز بدین نام از نسخه ای که دیده تصریح می کند:

وله ایضاً کتاب مطلع الصباحین و مجمع الفصاحتین رأیتہ فی دهخوارقان.

بنابراین اصح آن است که نام کتاب «مطلع الصباحین و مجمع الفصاحتین» می باشد.

روش تألیف مطلع:

مؤلف، همان ترتیب شهاب الاخبار^(۴۰) را اصل کار خویش قرار داده است، لذا احادیثی از نبی گرامی اسلام (ص) که مشابه آنرا را در نهج البلاغه یافته است، آورده و پس از هر حدیث کلام امیرالمؤمنین علیه السلام را بیان می کند. ولی این ترتیب کاملاً رعایت نشده، مثلاً حدیث «أَنَّ الدنیا حلوه خضره» را در باب اول ذکر کرده با اینکه این حدیث در باب هفتم یا هشتم شهاب بدلیل شروع شدن آن به «أَنَّ»

می باشد. مؤلف گاهی احادیث نبوی را پشت سر هم از ابواب مختلف گرد آورده چرا که روایت علوی طولانی و مشتمل بر تمامی آن احادیث بوده است، نظیر آنچه در برگ ۱۹ خطی مشاهده می شود: قال محمد (ص): الصلاة نور المؤمن. الزکاه قنطرة الاسلام. الصوم جهه الحج جهاد کل ضعيف. وعلیک بالجهاد؛ فإنه رهبانیه نامتی. صلّه الرحم تزیید فی العمر. صدقة السر تطفی غضب الرب. صنائع المعروف تقی مصارع السوء.

وقال علی (ع): أن أفضل ما توصل به المتوسلون ألی الله سبحانه الأیمان به وبرسوله والجهاد فی سبیل الله؛ فإنه ذرؤ الاسلام وکلمه الأخلاص فإنها فطره، وأقام الصلاة فإنها المل، وأیتا الزکاء فإنها فریضه واجبه، و صوم شهر رمضان فإنه جن من العقاب، وحج البيت واعتماره فإنهما ینفیان الفقر ویدحضان الذنب، و صلّه الرحم فإنها مثرأ فی المال، و منسأ فی الأجل، و صدقه السر فإنها تکفر الخطیة، و صدقه العلانیه فإنها تدفع مینه السوء، و صنائع المعروف فإنها تقی مصارع الهوان. گاه نیز احادیثی که موضوع واحد داشته اند از دو یا چند باب گوناگون کنار هم آمده اند مانند آنچه در برگ ۲۲ نسخه خطی مشاهده می شود:

قال محمد (ص): القرآن هو الدواء القرآن غنی لا فقر بعده ولا غنی دونه. درباره احادیث علوی نیز گرچه اکثر خطبه ها و رسائل و یا کلمات قصار مستقلاً ذکر شده اند، ولی گاه مؤلف مضمونی واحد را از خطبه های مختلف امیر مؤمنان علیه السلام در کنار هم قرار داده است. مثلاً درباره تقوا در برگ ۵۷ و ۵۸ خطی جملات منتخب از پنج خطبه حضرت در کنار هم گرد آمده است، و البته این امر با مراجعه به خطبه ها مشخص می شود چرا که گاهی مؤلف بین خطبه ها نیز ارتباط ایجاد کرده بنحوی که مخل به معنی نمی باشد.

از طرفی دیگر بنا بر تصریح مؤلف در ابتدای کتاب، گاهی کلام علوی بیش از حد مطلوب نگاشته شده

و یا خطبه تماماً درج شده؛ چرا که بدون آن، ربط لفظی یا معنوی کلام حضرت به حدیث نبوی بخوبی واضح نیست.

همچنین گرچه قسمت اعظم مطالب کتاب از «شهاب الاخبار» و «نهج البلاغه» برگرفته شده ولی برخی از احادیث نیز از غیر این دو کتاب اخذ شده، چون علاوه بر اینکه برخی از احادیث را در هر دو مصدر نیافتیم، مؤلف خود نیز در مقدمه اشاره بدین موضوع نموده است^(۳۰)!

نسخه های خطی کتاب مطلع:

۱. نسخه کتابخانه سلیمانیة اسلامبول، ضمن مجموعه ۱۴۴۷، کتابت سده نهم هجری، مشتمل بر بخشهایی از اوائل کتاب، نسخه عکسی آن در کتابخانه دانشگاه تهران به شماره ۱۹۵ نگهداری می شود.

۲. نسخه ای که ملا علی خیابانی صاحب کتاب علمای معاصرین در ارومیه دیده و در اول آن خط عبدالکریم بن ابوطالب مشهور به حاج مقدس آقا ارومچی بوده، وی پاره ای از مطالب آن را در کتاب خود «ذخائر الاسفار» هنگام سفر به ارومیه درج کرده است.

۳. نسخه کتابخانه شادروان محدث اروموی که پس از وفات وی به مرکز احیاء میراث اسلامی در قم منتقل شده و اکنون در آنجا نگهداری می گردد. این نسخه بیقین همان نسخه ای است که خیابانی دیده است چرا که خصوصیات آن که خیابانی گفته از جمله حواشی عبدالکریم بن ابوطالب و نیز عبارات عیناً مطابق با این نسخه می باشد.

۴. نسخه ای که مرحوم افندی در دهخوارقان دیده چنانچه در ریاض العلماء^(۳۱) بدان تصریح نموده است. از این نسخه اطلاعی در دست نیست، ولی با توجه به وفات افندی در سال ۱۱۳۰^(۳۲)، نسخه باید قبل از این تاریخ باشد.

ویژگیهای نسخه خطی مرکز احیاء:

آنچه تاکنون بطور کامل بدست مارسیده است همان نسخه شماره ۳ می باشد که اکنون در مرکز احیاء میراث اسلامی قرار دارد. نسخه گرچه دارای برخی از حواشی بخط عبدالکریم بوده و آثاری از تصحیح بر آن مشاهده می شود و خوشبختانه کامل است ولی بسیار پر غلط می باشد بطوری که شخصی بنام عرب باغی نسخه را خوانده و در ابتدای آن این عبارت را نگاشته است:

بر بیننده ژرف نگر مخفی نماند که این جلد کتاب، از آغاز تا پایانش غلطهای لفظی دارد، لذا اعتماد در هیچ حدیثی از احادیث آن جائز نیست، و چنین مطلبی از یک انسان خبیر و آگاه گوشزد می شود.

محرر: عرب باغی. که خداوند او را ببخشد! (۳۳).
کاتب که بر زبان عربی تسلط کافی نداشته آنچه را دیده نوشته و گاه لفظی را که نتوانسته بخواند آنطور که دیده نقاشی کرده و در نتیجه کلمه ای ناخوانا و یا عبارتی نارسا پدید آمده است.

طبعاً این مطلب در خصوص نسخه منحصر به فرد از یک کتاب خطی، کار تحقیق را دشوار می نماید، ولی آنچه محقق را در ارائه متنی قابل قبول یاری می دهد مراجعه یکایک احادیث به مصادر آنها می باشد. از طرفی دیگر، کاتب ظاهراً از اهل سنت بوده و یا از روی نسخه ای نوشته که کاتب آن نسخه از اهل تسنن بوده است چرا که مثلاً در برگ ۳۷ می گوید:

ومن دعائه کرم الله وجهه: اللهم انی اعوذ بک ...
و در برگ ۳۸: وقال کرم الله وجهه، و همچنین در برگ ۴۳.

بدیهی است که تعبیر «کرم الله وجهه» مختص به عامه بوده و شیعه چنین تعبیری را در باره امیر مؤمنان علی علیه السلام بکار نمی بندد.

آغاز نسخه: «الحمد للذی مهد فواعدا الدین برسالة محمد، واکد معاقدا الیقین بامامت علی، اعلى رايات الأیمان بدوله محمد، وابدی آیات الأیقان

بحكمه علی...».

پایان نسخه: «ثم لما افتتح هذا الكتاب بكلام المصطفى والمرضى اختتمه بذكر خلفهما الصالح الامام المنتظر... لعل الله بفضلہ يتعمده برحمته ویترحمه بمغفرته بمحمد وخصته وذريته صلوات الله عليهم، والحمد رب العالمين والصلأ على محمد وآله اجمعين».

در پایان این مقال، از خداوند عز و جل خواهانم حقیر

۲۵۷، ۱۶، ۹، ۲۰، ۲۲،

معجم المؤلفين ۲/۲۴۷، ۱۰، ۴۲،

معجم المطبوعات: ۱۵۱۵،

أيضاح المكنون ۱/۳۳۶،

امل الامل ۲/۳۳،

رياض العلماء ۱/۸۲،

مجلة عنوم حديث شماره ۴ (تابستان ۱۳۷۶ شمسی)،

اعیان الشیعه ۳/۲۹۷، ۲۹۸ (۱۱/۲۰۱۰، ۲۰۱۰) از چاپ قدیم،



تذکره المتبحرین: ۸۹، (تلخیص)

مجمع الاداب ابن فوطی ۲/۳۳،

الانوار الساطعه (طبقات اعلام الشیعه): ۱۷،

مجلة تراثنا شماره ۲۹ ص ۴۹ مقاله «فی رحاب نهج

البلاغه» سید عبدالعزیز طباطبائی طاب ثراه، معجم

رادر احیای این اثر ارزشمند که از متون کهن حدیث

شیعه و آثار مرتبط بانهج البلاغه بشمار می رود یاری

نماید.

منابع شرح حال و آثار

الذریعه ۴/۲۷۶، ۵/۵۲۵، ۸/۱۹۲، ۱۰/۹۱۰، ۱۱/۳۳۶، ۱۳/۲۵۶

رجال الحديث ۸۴/۳ شماره ۱۳۳۹،

دائرة المعارف تشیع ۱۳۰/۲،

لغت نامه دهخدا ماده (السعدین عبدالقاهر)، احوال

و آثار خواجه نصیرالدین طوسی: ۱۶۹، کتابخانه

ابن طاوس: ۲۳، ۲۵۹، ۴۹۳،

ذخائر الأسفار خیابانی (چاپ میراث اسلامی، دفتر

۳ ص ۶۲۱-۶۵۳ و دفتر ۴ ص ۸۱-۱۳۰ تحقیق علی

صدرایی خوئی)،

نفس الرحمن نوری باب ۱۲،

الدرع الواقیه فصل ۱۹،

مستدرک الوسائل ۳۶۷/۳ و ۵۷۳ چاپ سنگی، هدیه

العارفین ۷/۲،

ترك الأطناب فی شرح الشهاب. مقدمه،

بحار الأنوار، مجلد الأجازات ص ۲۳

پی نوشت:

۱. در پاره‌ای از منابع، سفرویه، مانند: الأنوار الساطعه: ۸۷، قال، وجأ

سفرویه بدل سفرویه ایضاً همچنین در تذکره دولتشاهی. در

دائرة المعارف تشیع ۱۳۰/۲ نیز چنین آمده: شیخ ابوالسعادات اسعد

سفرویه معروف به ابن سفر. ضبط کلمه بصورت سفروه. یا قاف.

و سفروه و غیره نیز آمده است. جهت تفصیل بیشتر نگاه کنید به:

مجلة «مفهوم حدیث» شماره ۴ (تابستان ۱۳۷۶) ص ۱۸۰، ۱۸۲.

توضیح اینکه در تحقیقی که صدیق فاضل و گرامی، جناب آقای

صدرایی زیر اوان کتاب «مطلع الصباختین» نموده، در شماره ۴ مجله

علوم حدیث بچاپ رسیده، تصریح شده بود که: «نسخه کاملی از آن

در دست نیست» «متأسفانه تاکنون از دیدمحققان شیعی بدور مانده

و هیچ نسخه کاملی از آن، معرفی نشده است» لذا جای بسی

خرسندی است که اکنون پس از گذشت ایامی نه چندان زیاد،

نسخه‌ای کامل از آن ضمن کتابهای خریداری شده از خاندان مرحوم

محدث از موی توسط مرکز احیاء میراث اسلامی، بدست حقیر رسید

که فرصت در ارائه این متن مهم، مغتنم شمرده می شود.

نشته با توجه به تحویل نسخه کامل، در این مقال سعی بر آن داریم

تا به نکاتی بیشتر زیر اوان کتاب و مولف آن، اشاره نماییم، والله

المستعان و هو خیر موف و معین.

۲. وی در مقدمه کتاب خود «مطلع الصباختین» بدین معنا تصریح

نموده است: «جأت عساکر الکفار بجماهر هازجأت عساکر الکفار

بجماهر هاز طائفة التار بحدایر هالی اصفهان التي هي بها مسكنتی

و مسقط رأسی و بها اهل و اولادی و اقربای و احمادی و اصدقائی

و اولدائی، فخریب، بیضهات و تعدیب جماعتها و استیصال شافهات و کنت

یو یمنذ مخلدومه بالقلعه الی شایقه...»

۳. امل الامل ۳۳، ۳۲۲ شماره ۸۹.

۴. اعیان الشیعه ۲۹۷/۳.

۵. بر روی برگ اول از مخطوطه مطلع الصباختین چنین مکتوب

است:

• کتاب مطلع الصباختین و مجمع الفصاحتین تألیف الشیخ
ابی السعادات اسعد بن عبدالقاهر بن اسعد الاصفهانی الشیعی الأمامی
استاد الخواجه نصیر الدین الطوسی و السید علی بن طاووس و ابن مینم
البحرنی قدس الله ارواحهم. و نیز عبدالکریم بن ابوطالب معروف
به حاج آقا مقدس ازومجی بر برگ اول چنین نگاشته: روی السید
فی الأقبال عن المؤلف سند رواه العنذر.

۶. انندی در ریاض العلماء ۸۱۷، ۸۲۰ پس از نقل کلام امل الامل درباره

مؤلف و آثارش می نویسد: اقول: قال ابن طاوس فی کتاب الیقین فی

أیات نقل حدیث ینقله عن کتاب تفسیر محمد بن مایهار ما هذا

لفظه: و هذا الكتاب ازویه بعده طرق، منها عن الشیخ الفاضل اسعد

بن عبدالقاهر المعروف جده بسفرویه الاصفهانی، حدثنی بذلك

لما ورد أتی بغداد فی سفر سنه خمس و ثلاثین و ستمایه بدارى

بالجانب الغربی من بغداد التي انتم بها علينا الخلفه المستصر.

۷. نگاه کنید به: اعیان الشیعه ۲۹۷/۳.

۸. بر روی برگ اول نسخه مطلع چنین نگاشته شده:

وفي كتاب نفس الرحمن للمولى انجاح ميرزا حسين النورى طالب

متواه في الباب ۱۲ قال طاوس آل طاوس في الفصل ۱۹ من الدرر

الواقیه: اخبرنی جماعه منهم... لکی ان نقل المرحوم المذكور عباره السید.

واخبرنی الشیخ السید اسعد بن عبدالقاهر الاصفهانی فی مسکنی

بالجانب الشرقی من دار السلام یعنی بغداد فی صفر سنه ۶۳۵ عن

الشیخ العائم علی بن السید ابی الحسن الرازندی، عن ابی جعفر

محمد بن علی بن الحسن النحلی.

۹. ابن مطب بر صاحب نام و نفوذ بودن شیخ اسعد در زمان وی

دلالت می کند.

۱۰. مؤلف این داستان را در مقدمه کتابش ذکر کرده که به جهت حائز

بودن برخی از نکات ترجمه خلاصه‌ای از آن را در این مقال می آوریم:

وی می گوید:

هنگامی که تألیف این کتاب از روشمندی پایان یافت و قبل از آن موفق

به نگارش کتابهای شده بودم. اثرات پیری و فرسودگی را در خود

مشاهده نمودم، هنگامه آن بود که از دنیا و اشتغالات آن اعراض

نموده و به آخرت و آنچه برای آن دواز مهیا نموده بودم رو آورم، به

جبران عمر گذشته پرداخته، با چشمی گریان شبهاه استغفار و خشوع

مشغول باشم و روزها باروزه گرفتن از مردمان منقطع کردم، باری از

خدمای خواستم که در های توبه و انابه و باز گشت به سوی خودش

که بهترین باز گشت است. را نصیب گرداند. باری، بر این حال

خویش رو آوردن به بارگاه مطهر امیر مومنان، وزارت پیامبران، رسید

اوصیای علی علیه السلام و یابکی از مشاهد اولاد معصومین را

مناسب می دانستم، و منتظر بودم روزی از کرم و فضل الهی این دعا

و خواستام مستجاب گردد تا نسخه‌های نوشته‌هایم را نیز خدمت

معروض بدارم. در این اوان بود که براهای روزگار مانند شب تیره

و باز هجوم آورد، ستاره بدطالع کافران ملعون طلوع نموده، و قوم تاناز

از راست و چپ، شبانگاه و روز هنگام، حمله کردند، و گرداگرد مردم

را گرفته به قتل و کشتار آنها پرداختند. از آنجایی که به دلپهای

صریح و آشکاره، و احادیث صحیحه می دانستم که در هنگام شعله‌ور

شدن آتش فتنه باید به حضرت مهدی علیه السلام رو آورد و به

خدمت حضرتش پناه برد و منتظر ظهور مبارکش بود، نیت خود را

جزم نمودم که به مشاهده معظمه و مواضع غیبت حضرتش رو آورم.

پس از این عزم راسخ، چون در آن اوان در خدمت «مخدوم عراق»

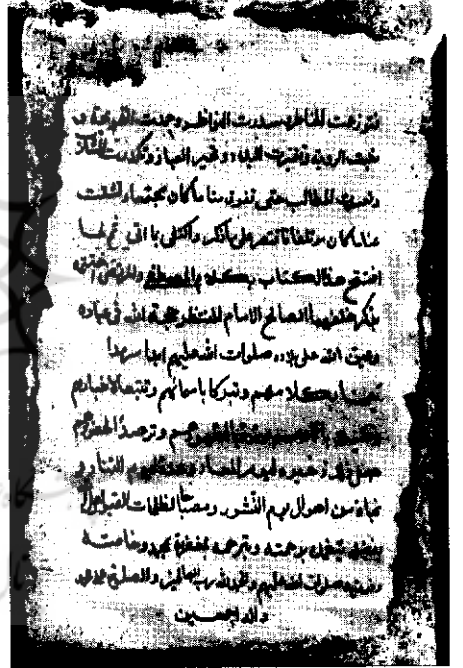
بودم، عزیمت و سفر برون اجازة و دستور وی ممکن نبود. لذا از وی

استجازه نمودم و لیک او ایان نمود. هر چه بیشتر اصرار نمودم کمتر

سود بخشید، تا سه سال از این واقعه گذشت. لشکر کفار و قوم تاناز

به اصفهان رو آورد. اصفهان علاوه بر آنکه محل سکونت و جایگاه

تولد من بود، خانواده و اولاد و خویشان و دوستان و رفقای صمیمی من نیز در آنجا سکنی داشتند. لشکر مغول می آمد که ایران کند و همه چیز را ریشه کن نماید، و من که خدمت مخدوم خود در قلعه رشاقیه بودم مضطرب و سگران بودم، از طرفی بجهت اهل و عیال خود پریشان خاطر، و از طرفی دیگر بجهت سرمایه‌ای که در این مدت عمر از اسباب و اموال دنیوی جمع کرده بودم و همگی در معرض نابودی بود یا فکری متشوش بسم می بودم. در این گیرودار مخدوم، مرا احضار نموده و از من خواست به پیشوای کافران و زورورده و پیام وی را بدو برسانم و از قصور خدمت عذر خواسته آمادگی آنان را جهت گردآوری سربازان و راه اندازی سپاه اعلام نموده و به او خیر مقدم بگویم اما خود گفتم: سبحان الله اعجب مردمان سست ایمانی که ظلم و ستم در جان آنان رسوخ کرده تا حدی که به باری کفر و طغیان بیاخته‌اند و در امر دین خود سبیل انگار گشته‌اند، شوق نالت دشمنان الهی را بزرگ می شمارند و خشتنودی آنان را بر رضای پروردگار مقدمه می دارند، آنگاه به دیگران در باری کردن کفار، حکم



می رسید و باکی نداشتند! کاتب ایمن برای نیاختن خود و پندیده و تصاحت از کفر دستور داده شده‌اند! هر حال مخدوم بیوسنه بدینام می فرستاد، باری مرا وعده می داد و گاهی وعید، ساعتی به من سزوت و قرب را می نمود و ساعتی دیگر سختی و عذاب، بالاخره به تنگ آمده گفتم: ای امیر ایبه خدا قسم! اگر دستور دهی مرا مورد امانت قرار داده و یا بکشند و هر آنچه می خواهی بسم بیآوری، هر آن برای من گوارتر از آن است که چشم من بدین ملاعین کفار افتاده و کلام آنان را بشنوم، باری من تو خدمت شما هستم، هر چه می خواهی حکم ران! امیر از این کلام صریح و فصیح، خوشمگین گشته و آنحال دستور داد به بندم کشند، مرا از منصب خلع نمود و دستور داد باقیمانده اموال من را از اسباب خانه گرفته تا حیوانات و مواشی، مصادره نمودند. در این شدت حال، من آسوده خاطر منتظر الطاف خفیه الهی بودم و دمامم به امیر مومنان علیه السلام استغاثه می نمودم، تا اینکه باری مخدوم

شبی در خواب امیر مومنان را دیدم که بر بالای سرش ایستاده شمشیری برهنه در دست دارد، او را ازیشانی گرفته و به زمین می کشد و تهدید می کند که: تو را چنه شده است؟ تا کنی می خواهی به من صداقت نشان دهی؟ او را رها کن و آلا با همین شمشیر گزندت را می زنی! بدین خواب او به خود آمده مرا خدمت خویش فراخواند و مهر و عطفوت فراوان نمود و وعده داد که اموال و اسباب غضب شده را بر گرداند و جبران مافات را نماید و زیاده از حد انتظار به من ببخشد. بدین سبب مرا از قلعه خویش نیز آزاد نمود، من نیز بدون توجه به راست و چپ و پیرس و وجو از اسباب و اموال به یغمازفته، فوراً با اهل و عیال به سوی امیر مومنان و جانشین صالح او حضرت قائم مهدی صلوات الله علیهما راهی شدیم، در این سفر دیگر خوف از مشکلات مسیر و تنهلی در طول راه و دوری از احباب و بعد سفر و بی یآوری همراه بادشمنان بسیاری که در کمین بودند... همه و همه مانع نبودند، چرا که ماندنم در آنجا خطر بر دینم داشت و این خطر بسی عظیم تر از خطر جانی است.

۱۱. اندر زرع ۱۵۳۶، الأناوار الساطعه: ۱۷، در معجم الموفقیین ۲۴۷/۲ نیز جامع التذلل و مجمع الفضائل نامیده شده است.
۱۲. نگاه کنید به: حاشیه امل الأمل ۳۳۲، ۳۳۳، الذریعه ۲۷۶/۲، در اعیان الشیعه ۲۹۷/۳، معجم الموفقیین ۳۶۷/۲، لعل الأشکالات، بجای: فی تقریر الأشکالات.
۱۳. در معجم الموفقیین ۲۴۷/۲، الوفا بجای: الولا ۱۵، الذریعه ۹۱۰، ۹۱۱، ۹۱۲، ۹۱۳، ۹۱۴، ۹۱۵، کتابخانه ابن طاووس: ۴۳۳، این کتاب در عهد شاه سلطان حسین صفوی به فارسی ترجمه شده، مترجم نام اثر: اصیبا الخافقین فی شرح دعای الصمیمین «نهاده است. در این باره رجوع کنید به: الذریعه ۳۳۸/۵.
۱۴. نام این کتاب در ذریعه نامیده ولی در مقدمه مطلع و ریاض العلماء ۸۲۲، بدان تصریح شده است. ۱۷، الذریعه ۹۰۶، کتابخانه ابن طاووس: ۴۳۹، ریاض العلماء ۸۲۲، دائره المعارف شیع: ۱۲۰/۲، در بعضی از منابع: مناقب، بجای: فضائل.
۱۵. این دیوان حدود ۸۰۰۰ بیت بوده است چنانچه ابن فوطی در (تلخیص) مجمع الآداب ۳۲۲، بدان تصریح نموده است.
۱۶. اعیان الشیعه ۲۹۷/۳، قال: کتاب اکسیر السعادتین، فیه کثیر من الکلمات القصار لأمیر المؤمنین علیه السلام، کما عن ریاض العلماء ۸۲۱، ریاض العلماء ۸۲۱.
۱۷. دائره المعارف شیع ۱۲۰/۲.
۱۸. الأناوار الساطعه (طبقات اعلام الشیعه): ۱۷، عبارت شیخ آقا بزرگ چنین است: وللمترجم نه مجمع البحرین و مطلع السعادتین، و اکسیر السعادتین، و لعلهما واحد.
۱۹. در باره تألیفات شیخ اسعد اصفهانی علاوه بر منابع مذکور در پانوشته، رجوع کنید به: امل الأمل ۳۲۲، ۳۳۳، شماره ۸۹.
۲۰. اعیان الشیعه ۲۹۷/۳، و نقل عنه فی هاشم امل الأمل ۳۳۲، و هاشم ریاض العلماء ۸۲۱.
۲۱. معجم الموفقیین ۲۴۷/۲، اسعد الأصفهانی (المتوفی سنه ۶۳۵ هجری الموافق لسنة ۱۲۳۷ میلادی).
۲۲. دائره المعارف شیع ۱۲۰/۲.
۲۳. در محله علوم حدیث شماره ۴ ص ۸۲.
۲۴. (تلخیص) مجمع الآداب ۳۲۲، شماره ۵۲۱.
۲۵. عبارت مؤلف در مقدمه چنین است: الأحاد فی ارواحهما، ای النبی والنوصی صلوات الله علیهما و آلهما، و الأمتراج فی اشباحهما و الأیتلان فی طبائعهما و اخلاصهما، یوجب تشابه کلامهما و توارد خواطرهما، فان مستفاهما من قلب و مغر غیما من ذنوب، فلما تحقق لی ذلک اوردت ان النقط من فراند فوائد کلمتھما ما تو افقاء و اقتبس من

انوار حکمتها ما تطابقا لفظا ومعنى أو لفظا ومعنى من کتابی الشهاب القنصوی القضاعی ومن النهج من جمع السید الرضوی الموسوی رضی الله عنهما وارضاهما. و غیر هما وجدت من آحاد الأخبار و افراد الأئمة.

۳۰ وی در آخر کتاب خود «مطلع الصابحین» بدین مطلب تصریح نموده است: «کمل هذا الكتاب في النجم بين الحكم المصطفوية والبرصوية مستخر جأمن کتابی الشهاب القنصوی والنهج الرضوی فی الأخبار والأئمة من کلامی النبی والوصی علیهما السلام محفوظاً فیهما توافق القاضیاء تطابق معانیهما من الکلمات الطیبات والمواظب الکافیات والنصایح الشافیات، فأراد جامعه بأن یزید علیهما وتضیف کتیبهما ما توافقا وتطابقا من الفصحاح السبعة و غیرها، فلم تساعده الأيام فی تحصیل هذا التمام، فظهر من الحوادث ما لا یخفی، واشتغل من نیران الحواریب ما لا یغنی، فتوزعت الخاطر وسدرت النواظر وحدثت القریحة ونضیت الزویة وتغیرت البلاد وتجر العباد وتکدرت المشارب وتعسرت المطالب حتی تفرق منا ما کان محتتماً ونشئت عننا ما کان مؤتلفاً، فأکتفی علی ما ذکر، وأکتفی بما أتی».

۳۱ درباره شافعی یا شیعی بودن قاضی قضاعی سخن زیاد بیان آمده است، از جمله ادعای که بر شیعه بودن وی آورده اند اینکه:

۱. ذکر حدیث معثل أهل بیته.
۲. مدح خلقی اهل سنت در این کتاب نیست.
۳. مؤلف کتابی بنام «سنن للحکم فی مائت معانی الکلم» که جمع کلمات امیرالمؤمنین علیه السلام است داده، ولی باید دانست که دلیل او این است که مدعی است، و دلیل دوم نیز دلالت ندارد چرا که مؤلف در صدد جمع کلمات فقهای پیغمبر و اولاد جنات اخلاقی و دینی بوده، و درباره دلیل سوم نیز باید دانست که قاضی قضاعی کتابی نیز در مناقب امام شافعی دارد (اهدای العارفین ۱۷۷) بنابر این اظهار این است که مؤلف شافعی بوده، و مؤلف کتاب ماصطلاح الصابحین نیز قائل بدان بوده و در واقع این کتاب را بعنوان دلیلی بر حقانیت شیعه تألیف کرده که کلمات پیغمبر را که مورد قبول عامه است آورده و سخنان علوی را نیز در قبیل از خاصه نقل نموده است تا قریب لفظی و معنوی آنها را ثابت کند و اتحادی و وصی را از هر جهت بنمایاند. علاوه بر اینکه در آن اوان فاصله مذاهب آنقدر زیاد نبوده خصوصاً شافعی ها که در مسأله محبت و مودت اهل بیت علیهم السلام به شیعیان نزدیکتر می باشند. درباره تحقیق مذهب قاضی و رجوع کنید به: مستدوک الوسائل محدث نوری ۳۶۷۳، الکتبی والألقاب محدث قمی ۳، مقدمه شرح فارسی شهاب الاخبار با تعلیقات محدث ازبوی، مقدمه ترک الأطناب فی شرح الشهاب، ابن القضاعی با مقدمه محمد شیروانی.
- ۳۲ علمای شیعه و سنی بر کتاب شهاب الاخبار شروع فروانی نگاشته اند که به پاره ای از آنها اشاره می شود: از شرحی که بزرگان شیعه نوشته اند:

۱. ضیاء الشهاب، از قصب الدین سعد بن عبه ثله راوندی.
۲. ضیاء الشهاب، از سید ضیاء الدین فضل الله راوندی.
۳. شرح الشهاب، از افضل الدین حسن مهابادی.
۴. شرح الشهاب، از برهان الدین محمد حمدانی فریبی.
۵. روح الاحباب و روح الألیاب، از ابو الفتح حسین نیشابوری دزوی.
- از کتابهای که اعلام عامه درباره شهاب الاخبار تألیف کرده اند:

 ۱. منتخب الشهاب، از شیخ نجم الدین اسکندی، در گذشته سال ۹۸۴.
 ۲. کشف الحجاب عن احادیث الشهاب، از امام صفائی.
 ۳. ضیاء الشهاب، نیز از صفائی.
 ۴. شرح الشهاب، از ابن حکیم حنفی، در گذشته سال ۵۶۷.

۵. رفع الشهاب عن کتاب الشهاب، از عبدالرزاق مناوی.
۶. حل الشهاب، از برخی از علمای اهل تسنن.
۷. شرح الشهاب، از محمد بن حسین موصی معروف به ابن جنی، این شرح را شیخ ابوالبرهم و اثباتی گزیده نموده، و استاد ابوالقاسم وراق نیز به شرح آن پرداخته است.
۱۰. أسعاف العقاب بترتیب الشهاب، از جلال الدین سیوطی. از شرحهای فارسی که بر شهاب نوشته شده بر این موارد اطلاق یافتیم:
۱. ترجمه و شرح فارسی شهاب الاخبار، این کتاب جهت خوابه زکی صائب احمد حنفی ساخته شده و سال ۱۳۶۹ ش توسط دانشگاه تهران به اهتمام محمد تقی دانش یزوه بچاپ رسیده است.
۲. شرح فارسی شهاب الاخبار، از مؤلفی ناشناخته، تألیف یافته در حوالی سال ۶۸۰ هجری قمری، سید جلال الدین محدث ازبوی آن را تصحیح نموده و بر آن تعلیقاتی افزوده است، بچاپ تهران سال ۱۳۲۲ ش، و در سال ۱۳۶۹ توسط مرکز انتشارات علمی و فرهنگی تجدید چاپ شده است.
۳. ترک الأطناب فی شرح الشهاب، از ابوالحسن علی بن احمد معروف به ابن قضاعی، این کتاب گزیده ای از «فصل الخطاب فی شرح الشهاب» همین مؤلف است. چاپ شده در تهران به اهتمام محمد شیروانی در سال ۱۳۲۳ هـ ش.

نکته دیگری که مناسب به ذکر است اینکه مرحوم شیخ یحیی بحرانی کتابی بنام «الشهاب فی الحکم و الآداب» تألیف کرده که در آن به جمع یکپارخ حدیث نبوی در سی باب به ترتیب حروف الفبا پرداخته است. این اثر در تهران به سال ۱۳۲۷ در ۶۹ صفحه بچاپ رسیده (اجاب سنگی به خط حاج شیخ احمد شیرازی) این کتاب نیز از شهاب الاخبار قضاعی است که مورد گفتگوی مامی باشد، اگر چه موضوع هر دو کتاب متحد می باشد. ۳۳۱ اعیان الشیعه ۲۹۷۳.

۳۴. معجم المؤلفین ۲/۲۲۷.
۳۵. الفهرست ۲/۲۲۱.
۳۶. الذریعه ۲/۲۷۸.
۳۷. الأنوار الساطعه (طبقات اعلام الشیعه : ۱۷. عبارات وی چنین است: وللمترجم له مجمع البحرین ومطلع السعادتین، واکسیر السعادتین، ولعلمهما واحد.
۳۸. ریاض العلماء ۸/۸۲.
۳۹. ترتیب کتاب شهاب بگونه ای است که مراجعه کننده بتواند براحتی بدان دسترسی یابد. لذا احادیث را در ابواب مختلف گرد آورده، شروع حدیث هر باب مشتمل بر الفاظی چون «من، ما، لا، لیک، ان، لیس، خیر، بنس، آذا، کفی، الا، لو و رب» می باشد، و نیز احادیثی که یا فعلی ماضی مجهول شروع شده و یا مشتمل بر ادعیه و یا احادیث قدسی می باشد در ابواب جداگانه بیان کرده است.
۴۰. وی در مقدمه می گوید: و اقتبس من انوار حکمتها ما تطابقاً لفظاً ومعنى أو لفظاً ومعنى من کتابی الشهاب القنصوی القضاعی ومن النهج من جمع السید الرضوی الموسوی رضی الله عنهما وارضاهما. و غیر هما وجدت من آحاد الأخبار و افراد الأئمة.
۴۱. ریاض العلماء ۸/۸۲.
۴۲. بدین تاریخ در تعلیقات الأجزاء الکبیره جزائی و تذکره القبور مهدوی اشاره شده است. رجوع کنید به: مقدمه ریاض العلماء ۲/۲۱.
۴۳. مص عبارات چنین است: لا یخفی علی الناقد البصیر ان هذا المجلد من اوله الی آخره غلط من أجل اغلاطه لا یجوز الاعتماد علیها فی حدیث من احادیثه و لا ینتقل مثل خیر. حرره الاحقر عرب باغی عفی الله عنه.

* این کتاب توسط بنیاد نهج البلاغه در دست انتشار است